

ماجرای بیمه طلایی

نویسنده: وصفی مرندی
دبیر ناحیه ۴ شهرستان تبریز



انجمن نویسندگان و روزنامه‌نگاران
سازمان پژوهش و توسعه رسانه‌های آموزشی

حماسه سیاسی و حماسه اقتصادی

برگ اشتراک مجله‌های رشد
نحوه اشتراک:

- شما می‌توانید پس از واریز مبلغ اشتراک به شماره حساب ۳۹۶۶۲۰۰۰ بانک تجارت، شعبه سه‌راه آزمایش کد ۳۹۵، در وجه شرکت افست، از دو روش زیر مشترک مجله شوید:
۱. مراجعه به وبگاه مجلات رشد به نشانی: www.roshdmag.ir و تکمیل برگه اشتراک به همراه ثبت مشخصات فیش واریزی.
۲. ارسال اصل فیش بانکی به همراه برگ تکمیل شده اشتراک با پست سفارشی (کپی فیش را نزد خود نگاه دارید).

♦ نام مجلات در خواستی:

.....

.....

♦ نام و نام خانوادگی:

.....

♦ تاریخ تولد:

♦ تلفن:

.....

♦ نشانی کامل پستی:

.....

استان: شهرستان: خیابان:

.....

پلاک: شماره پستی:

.....

شماره فیش بانکی: مبلغ پرداختی:

♦ اگر قبلاً مشترک مجله بوده‌اید، شماره اشتراک خود را بنویسید:

امضا:

♦ نشانی: تهران، صندوق پستی امور مشترکین: ۱۶۵۹۵/۱۱۱

♦ وبگاه مجلات رشد: www.roshdmag.ir

♦ اشتراک مجله: ۰۲۱-۷۷۳۳۶۶۵۶ / ۷۷۳۳۵۱۱۰ / ۷۷۳۳۹۷۱۳-۱۴

♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات عمومی (هشت شماره): ۳۰۰/۰۰۰ ریال

♦ هزینه اشتراک یکساله مجلات تخصصی (چهار شماره): ۲۰۰/۰۰۰ ریال

پس گرفتن هزینه‌های درمانی از بیمه، همواره یکی از مشکلات اساسی فرهنگیان است که گاهی ماجراهایی جالب و خنده‌دار و گاه نیز دردناک در راه اخذ آن‌ها اتفاق می‌افتد. همان‌گونه که مستحضرد، ماهانه مبلغ قابل توجهی از حقوق همکاران برای اشتراک در بیمه طلایی از آن‌ها کسر می‌شود. این در حالی است که فرهنگیان عزیز باید برای بازگرداندن مبلغی که برای درمان به مراکز درمانی می‌پردازند، مراحل را طی کنند. اواخر ماه دی بود که به چشم پزشک مراجعه کردم و او برایم عینک نوشت. قیمت عینک مطابق قیمت دی‌ماه ۹۱ حدود ۹۵ هزار تومان شد. عینک را گرفتم، ولی فراموش کردم. برای ارائه به بیمه فاکتور دریافت کنم. اواخر اردیبهشت‌ماه بود که ناچار برای دریافت فاکتور به همان عینک‌فروشی در خیابان ۱۷ شهریور تبریز که یکی از خیابان‌های شلوغ شهر است مراجعه کردم. چون فرصت کم بود، با ماشین شخصی رفتم و چون جای پارک پیدا نکردم، مجبور شدم چند لحظه جلوی پل پارک کنم. به اشاره یکی از نگهبانان ساختمان پزشکان، خواستم ماشین را به پیاده‌رو هدایت کنم که صدای گوش‌خراشی شنیدم. رکاب ماشینم داشت توسط جدول پیاده‌رو به هنگام دور زدن به سمت پیاده‌رو به شدت ساییده می‌شد. باران به شدت می‌بارید. برای لحظه‌ای ماشین را در پیاده‌رو پارک کردم. چشمم به ماشین پلیسی که درست در راستای من در خیابان بود افتاد. جرئت نکردم ماشین را ترک کنم. گفتم بهتر است از پلیس اجازه بگیرم و موضوع را با وی در میان بگذارم و بعد برای گرفتن فاکتور بروم. وقتی از پلیس مهربان کسب اجازه می‌کردم، او ضمن اشاره به دوربینی که منطقه را به خوبی تحت پوشش داشت گفت، خانم محترم من مشکل شما را درک می‌کنم، ولی دوربین که احساس ندارد. پس بهتر است آنجا پارک نکنی.

به سمت ماشین برگشتم، آن را برداشتم و به سمت خیابان کناری به راه افتادم. خیابان شلوغ بود و من از محل مورد نظر هزاران متر دور شدم. بالاخره جای پارک پیدا کردم و زیر باران ۲۰ دقیقه دویدم تا به مکان مورد نظر برسم. از عینک‌فروشی فاکتور خواستم. او گفت باید برگه سبز دفترچه نیز موجود باشد و ظاهراً چون برگه گم شده بود، گفت باید مجدداً پزشک متخصص برایم نسخه بنویسد.

من که تا اینجا وقت و هزینه سنگینی پرداخته بودم، حاضر نشدم دست خالی برگردم و هرچند پاهایم طاقت نداشت، ولی به راهم ادامه دادم و مجدداً پیش پزشک رفتم. پس از دادن ۱۶۰۰۰ تومان موفق شدم به عینک‌فروشی برگردم و از ایشان فاکتور بگیرم.

خیال نکنید کار در اینجا تمام شد. باید مدارک را در کاسه‌گذاری می‌گذاشتم و روز بعد به اداره بیمه می‌رفتم و بعدش هم خدا می‌داند. اکنون که این ماجرا را می‌نویسم، ۹۲/۳/۱ است. هنوز هیچ مبلغی از بیمه به حسابم واریز نشده است، ولی در عوض رکاب ماشینم (۲۰۶) حدود ۱۵۰ هزار تومان هزینه صافکاری دارد و یک تصویر زیبا از راهنمایی و رانندگی با الصاقیه جریمه ۴۰ هزار تومانی به در منزلمان آمده است.

آیا بهتر نیست تدبیری اندیشیده شود تا همکاران این‌قدر در خیابان‌های شلوغ شهرها سرگردان نشوند و بیمه طلایی نیز همانند دفترچه خدمات درمانی باشد تا همکاران به جای دنبال پول دویدن بعد از بیماری، برای پس گرفتن آن، مشکلشان همان موقع درمان حل شود. ■